

فریدریش هُلدرلین

سکونتِ شاعرانه

بیست و چهار شعر

ترجمه و تحریر سوم از نمایشنامه‌ی

مرگِ امید و کِلِس

انتخاب و ترجمه: محمد علی ادی



انتشارات نیلوفر

سرشناسه	حدادی، محمود، ۱۳۲۶ - گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدید آور	سکونت شاعرانه: بیست و چهار شعر همراه تحریر سوم از نمایشنامه‌ی مرگ اپدوکلس / فریدریش هلدرلین؛ انتخاب و ترجمه محمود حدادی.
مشخصات نشر	تهران: نیلوفر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۰۸ ص.
شابک	978-622-6654-18-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	هلدرلین، فریدریش، ۱۷۷۰-۱۸۴۳ م. - نقد و تفسیر
موضوع	Holderlin, Friedrich - Criticism, interpretation, etc
موضوع	شعر آلمانی - قرن ۱۹ م. - تاریخ و نقد
موضوع	German poetry - 19th century - History and criticism
موضوع	نمایشنامه آلمانی - قرن ۱۹ م. - تاریخ و نقد
موضوع	German drama - 19th century - History and criticism
رده‌بندی نگره	PT ۲۵۷۹:
رده‌بندی یوئی	۸۳۳/۸:
شابک کتابخانه ملی	۵۸۲۲۳۸۳:



انتشارات نیلوفر

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

فریدریش هلدرلین

سکونت شاعرانه

انتخاب و ترجمه: محمود حدادی

حروفچینی: شبستری

چاپ گلپان

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: www.behanbook.ir



انتشارات نیلوفر

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۱	هلدرلین و تازگی کلام او
۱۵	نمادهای اسطوره در شعر هلدرلین
۱۷	یونان باستان، سرزمین زیبایی و والایی
۲۳	تجسم ای نابینا
۲۶	رئوس اثری
۳۰	خیرین
۳۳	از نگه درون
۳۶	به اثیر
۴۰	از یونان باستان تا باروس اسپینوزا
۴۳	رهنورد
۴۸	از سنجش زمان
۵۰	به خدای خورشید
۵۲	چشم در راه
۵۴	شاعران ربایی
۵۵	عشق در نگاهی دیالکتیکی
۵۸	ملت هاسکوت کردند
۶۰	خواب خودکامان در مسیل تاریخ
۶۲	سه گزین گفته
۶۴	آشیل
۶۶	از امید به رویشی دوباره
۶۸	تولد دوباره
۶۹	از شیوهی جوانی دوباره
۷۰	به شاهدخت آگوستافون هومبورگ زمستان ۱۷۹۹
۷۲	از لطف جوانی و هنر
۷۳	به شاهدخت آمالی فون دسائو
۷۵	در ستایش نهضت فراگیر روشنگری

۷۷	دارایی من
۸۰	از رسالت شاعر
۸۱	اشتوتگارد «جشن پاییزی»
۸۷	از وطن آرمانی
۸۹	آرشیپلاگوس «جزیره‌های یونان»
۱۰۳	از تولد دوباره‌ی امید
۱۰۷	به ادوارد
۱۱۰	از ایمان به دوستی
۱۱۲	سوک مفن در مرگ دی‌یوتیما
۱۱۸	از سلا در پناه تغزل
۱۲۰	به مید
۱۲۲	در شب تاریک
۱۲۳	گردشی در دشت
۱۲۵	سخن بر زبان رسل امون
۱۲۶	هایدلبرگ
۱۲۸	از خدای وارگی زمان
۱۳۰	رودنکار
۱۳۲	در پیشگاه کوه‌های آلپ
۱۳۴	طبیعت، پناه و سرمشق آدمی
۱۳۶	نزدیک‌ترین دیار نیک
۱۳۸	از جان ادراک مند جهان
۱۴۰	گذار رنج در شعر هلدرلین
۱۴۵	در آبی دلپذیر
۱۵۱	شرح شکل‌گیری نمایشنامه‌ی مرگ امیدوکلس
۱۶۰	مرگ امیدوکلس، تحریر سوم
۱۶۱	پردی اول، صحنه‌ی اول (در پای کوه اتنا)
۱۷۶	سرود همخوانی پایان پردی اول
۱۷۷	پو‌نوشت‌هایی بر نمایشنامه‌ی امیدوکلس
۱۸۱	نگاهی به زندگی و آثار فریدریش هلدرلین (۱۷۷۰-۱۸۴۳)
۲۰۸	منابع

یادداشت مترجم

«غنی از دست رنج، با این همه شاعرانه است

سکونت انسان بر این خاک ...»

از شعر در آبی دلپذیر

فریدریش هلدرلین شاعر آلمانی دوران کلاسیک و رمانتیک آلمان در سال ۱۷۷۰ در شهر کوچک لائوفن، نزدیک شهر اشتوتگارت به دنیا آمد. از جوانی به شعر و فلسفه گرایش نشان می داد. در روی سپندگی اش از ۱۷۸۴ شروع شد و هلدرلین در پی کوتاه زمانی تقلید از تغزل پیشین اش، از جمله کُلبِ اشتوک و فریدریش شیلر، خیلی زود زبان خاص خود را یافت و ورود، زبانی آکنده از تصاویر چند لایه‌ی انتزاعی و رابطه‌ی فشرده‌ی بینامتنی به اسطوره‌های یونانی و کتاب مقدس؛ پس در گریز از نحو سنتی، تا سال ۱۸۰۶ این زبان ویژه را در چکامه‌های خود به کمال رساند. بعد از آن اما روح این شاعر آلمان خواه به دلیل شخصی و اجتماعی در مه جنون فرو رفت، جنونی که نزدیک چهل سال با او در تابستان ۱۸۴۳، همچنان جان اش را در پریشانی نگه داشت. با این حال از دوران جنون او هم شعرهایی درخشان به جا مانده است.

اگر بنابر ارائه تصویری به غایت کوتاه از زندگی و نگرش هنری او باشد، باید گفت که آرمان عدالت در ساحت وطنی جهانی و فرهیخته آرزویی بود که با روح او و درک اش از هنر یگانگی یافته بود و بسا بیش از هر چیز وفای بی کم و کاست به این آرمان هم بود که در پیش هیولای خودسر و لجوج واقعیت تاریخ کار او را

به جنون کشاند. جوانی اش با انقلاب جمهوری خواهانه‌ی فرانسه مقارن افتاد. این انقلاب آتش این آرزو را در جان او شعله‌ورتر کرد، و دور افتادن این نهضت از اهداف متعالی اش غمی سنگین بر روح او نشاند.

جنون او، و زبان نوآورانه اش باعث شد آثارش — هم در زمان زندگی وی — نادیده بمانند و پراکنده شوند. در ابتدا و به شکلی بسیار ناقص بخشی از شعرهای او در سال ۱۸۴۶ به چاپ رسید و اینک هلدلین سه سال بود که در گذشته بود. سپس نزدیک به قرن بعد در سال ۱۹۱۳ بود که مجموعه‌ی آثارش آشکاری یافت، از نو به عرصه‌ی ادبیات آلمانی درآمد و فراخور کلام و پیام خود، جایگاهی بلند یافت.

در این جایگاه — این اشاره به زندگی و آثار او شاید کافی باشد، زیرا پیش از این به ترجمه‌ی همین نظم در ۱۳۹۱ یگانه رمان این شاعر، یعنی هیپریون انتشار یافته است، سپس در سال ۱۳۹۳ گزیده‌ای از شعرهای او با عنوان آنچه می‌ماند، و سرانجام در سال ۱۳۹۴ هم شرح زندگی اش، نگاشته‌ی اشتفان سوايگ با عنوان پیکار با دیو.

به این ترتیب این چهارمین نشر از آن قام در معرفی هلدلین خواهد بود، با ارائه مقاله‌هایی از هانس گئورگ گامر و آگوست بوک در تفسیر سیاق سراینده‌ی او، و گزیده‌ای از شعرهایش که نشان‌دهنده‌ی روند تکامل این سیاق خاص است و از جمله یکی از شهره‌ترین شعرهای دوران جنون او، یعنی قطعه‌ی در آبی دلپذیر را هم دربر می‌گیرد، به علاوه‌ی تحریر سوم و از آنها نمایشنامه اش، مرگ امید و کلس را.

بر هر یک از این آثار شرحی هم آمده است تا پس زمینه‌های فکری و بینامتنی آن در تاریکی مطلق نماند. در پایان گزارشی مفصل تر — به قلم گرهارد کورتس — در تحلیل زندگی و آثار او پیوست شده است.

و اما چند سطری هم در باب این ترجمه از شعرهای هلدلین:

شعر مکتب رمانتیک آلمانی در مقوله‌ی وزن و قافیه، باری، از لحاظ موسیقایی برای فارسی زبان قابل درک است، نیز شعرهای دوران جوانی و سپس دوران جنون خود هلدلین هم. و هر چند برخی ادیب آلمانی شعرهای دوران آفرینندگی

خاص این شاعر را جابه‌جا به نثر نزدیک و با آن درآمیخته می‌داند، باز یقین که این شعرهای شاخص او هم مایه‌های موسیقایی دارند. با این حال اگر فارسی‌زبانی ادعا کند موسیقی شعر مدرن هلدرلین هم برایش قابل درک است، باید بر این میزان درک موسیقایی رشک برد. این درک در من نیست. به همین دلیل است که این شعرها به نثر در این دفتر آمده‌اند. ولی باز می‌شود پرسید جز این، آیا برای حس موسیقایی فارسی‌زبان، این شعرها هیچ‌گونه ویژگی تغزلی ندارند؟ پاسخ این شعر هلدرلین نحو شکن است، به شکلی غافلگیرانه از بالای سنت‌های دست‌بری گام برمی‌دارد و چنین، به زبان تلاطم و طغیانی جسورانه می‌بخشد، نوعی نوآوری که معجزه از دم دست دور می‌کند و خواننده را در جست‌وجوی پیوندهای کلام نالاش وامی‌دارد، از جمله با گریزش از قواعد سجاوندی هم.

نامه‌ای هست به د. آ. ف. دریش شیلر، استاد و حامی هلدرلین از او می‌خواهد: «تأمل کنید از موضوعات فلسفی فرار کنید، موضوعات بسیار ناسپاسی هستند. به جهان عینی نزدیک‌تر بمانید. با این ترتیب کم‌تر در خطر آن خواهید بود که شور عاطفه را در تعقل از دست بدهید.»

هلدرلین با همه‌ی احترام‌اش به این استاد، هیچ این پند را به گوش نمی‌گیرد، بلکه آن را چنان با کلام فرازجوی خود ناسازگار می‌بیند که رنجیده‌خاطر در گزین‌گفته‌ای با عنوان «تغزلی توصیف‌گرا» به استاد کتاب می‌زند:

«هان، بدانید! آپولون خدای روزنامه‌نگاران شاه است.»

و شاعر دربار او کسی است که در روایت پای‌بند است. استاد باشد!

در پس این کنایه، هلدرلین می‌فهماند بر سر شور عاطفی کلام خود، می‌ماند، با زبانی که از جمله قاعده‌ی نحو را بر نمی‌تابد. این جانب جسورانی کلام او در این ترجمه به سود صراحت فروخته‌تر شده است.

اما در امر ترجمه انحصاری در کار نیست. و اگر کسی دیگر بر آن شد به شیوه‌ای دیگر به سرشت شعر این شاعر نزدیک شود، چه جای دعوی یا بخل؟ با سپاس از دانشجویان یاشار دست‌پاک و نیما ایرانی‌خواه.